

همایون تاج
سیمینار بین المللی در مورد تغییر نقش ناتو
در افغانستان بعد از خروج آن از افغانستان
در پایان سال ۲۰۱۴

بوداپست - هنگری
۲۴ جون ۲۰۱۴

انتخابات و مشروعیت سیاسی در افغانستان

جناب رئیس، اشتراک کنندگان نشست حاضر، خانمها و آقایان!

قبل از همه تمنیات نیک خود را به مناسبت برگزاری این نشست با اهمیت به گردانندگان و شخص بانو نسرین کاتونا، مسؤول بنیاد افغانستان فندیشن ابراز می دارم و آرزوی موفقیت های همه جانبه برای کنفرانس حاضر دارم. خرسندم از من نیز دعوت شده تا دیدگاه های خود را در پاره از مورد ها ابراز بدارم. تشکر از دعوت شما.

سال ۲۰۱۴ میلادی برای افغانان یک سال مهم و تعیین کننده است. در این سال انتخابات دور سوم ریاست جمهوری برگزار شده و برای نخستین بار در تاریخ معاصر کشور انتقال مسالمت آمیز قدرت، از یک رئیس دولت به رئیس منتخب دیگر صورت می گیرد. رویداد بزرگ دیگر، خروج تمامی نیرو های رزمی ناتو است که مطابق جدول زمانبندی شده قرار است تا آخر سال روان حضور نیرو های جنگی ناتو در افغانستان به پایان رسیده و افغانها مسؤولیت کامل امنیت کشور خویش را به عهده بگیرند.

هرچند ارتش افغانستان در جون ۲۰۱۳ فرماندهی تمام عملیات نظامی و امنیتی را از نیروهای ناتو تحویل گرفت.

پیامد های این دو رویداد نه تنها به انتقال سیاسی قدرت و اوضاع امنیتی کشور محدود نمی ماند بلکه برای روند بعدی سرنوشت افغانها و آینده کشور شان از اهمیت فوق العاده برخوردار است.

انتخابات ریاست جمهوری افغانستان که دور اول آن به تاریخ شانزدهم حمل سال روان (۵ اپریل ۲۰۱۴ م) دایر شد، سومین انتخابات ریاست جمهوری در نوع خود است که با آغاز مرحله جدید در افغانستان بعد از فروپاشی رژیم طالبان راه اندازی می شود.

با سرنوشتی رژیم طالبان در پی حادثه حمله های تروریستی به مرکز تجارت بین المللی در نیویورک و مقر پنتاگون، وزارت دفاع ایالات متحده امریکا که به تاریخ یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ صورت گرفت، حکومت جورج دبلیو بوش جنگ با تروریسم (شبکه القاعده و همکاران منطقه ای اش، طالبان) را اعلان نمود. بر مبنای توافقات کنفرانس بن، افغانستان وارد مرحله جدیدی نظامسازی شد. این پروسه شامل سه مرحله، حکومت ششماه انتقالی، حکومت موقت دوساله و به تعقیب آن راه اندازی انتخابات آزاد برای تعیین رئیس جمهور کشور می شود.

اینک افغانان برای سومین بار به پای صندوق های رأی می روند تا در یک پروسه دموکراتیک سهم گرفته و از حق خود که در قانون اساسی کشور تسجیل یافته است به انتخاب رئیس جمهور و زعامت کشور بپردازند.

انتخابات آزاد یکی از مؤلفه های اساسی دموکراسی شمرده می شود. هر حکومتی که در نتیجه انتخابات آزاد، عمومی و مستقیم رأی دهندگان به وجود بیاید دارای مشروعیت سیاسی می باشد.

مردم افغانستان توقعات زیادی از حاکمیت دوازده ساله رئیس جمهور کرزی داشتند، متأسفانه از حاکمیتی که از پشتیبانی وسیع جامعه جهانی برخوردار بود، کم تر بهره بردند. در مقابل، یک مشت افراد محدود، با سوء استفاده از موقف های اجتماعی و وابستگی های دوران جنگ های داخلی، بخصوص دهه نود میلادی، زیر نام مقدس جهاد به استفاده جویی و زراندوزی پرداختند که در نتیجه تمام کارکرد های دوازده سال گذشته را زیر سایه اعمال خلاف قانون، قرار دادند.

بنابراین مردم از انتخابات سال ۲۰۱۴ نه تنها به خاطر نهادینه شدن دموکراسی در کشور و استفاده از حق انتخاب ز عیم ملی خود انتظار می برند، بلکه امیدوارند تا با انتخاب رئیس جمهور جدید و رویکار آمدن تیم نو، حداقل نقطه پایانی به این همه بی قانونی، بی عدالتی، خودسری، فساد، تاراج دارایی های عامه، و غیره گذاشته شود.

مردم با این همه امید و آرزو به تاریخ ۱۶ حمل (۵ اپریل ۲۰۱۴) به پای صندوق های رأی رفتند.

تفاوت انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۴ با دو انتخابات قبلی:

- انتقال صلح آمیز قدرت برای اولین بار در یک پروسه دموکراتیک.

- رشد فکری جامعه.

- موجودیت نهاد های جامعه مدنی و نقش اثرگذار آن در تصمیم های بزرگ.

- تغییر بنیادی در دیدگاه های سیاسی نسل جوان (نقش مدیا، تکنالوژی ارتباطی، رشد فرهنگی سالهای اخیر).

- تغییر در ساختار های سنتی سازمانهای سیاسی و ایجاد معیار ها و ارزشهای جدید در ارزیابی مسایل.

- کم شدن شمار نامزدان انتخابات ریاست جمهوری.

- تشکیل ائتلافها و اتحاد های انتخاباتی بر مبنای معیار های نو و کم رنگ تر سنتی.

- کم رنگ بودن وابستگی های سیاسی ایدئولوژیک.

و اما چالش هایی این انتخابات:

- حضور پر رنگ بازیگران اصلی جنگ های داخلی دهه نود در قدرت، و تمایل برخی از آنها به هدف کنترل دوباره قدرت بعد از خروج نیروهای آمریکایی،

- احتمال عدم تمکین به نتایج انتخابات در صورتی که نتایج به نفع نامزد مورد نظر نباشد،

- سلطه شبکه های پر قدرت مافیایی در تار و پود جامعه و اثرگذاری آن بر رأی دهندگان.

خوشبختانه تهدید های امنیتی که قبل از برگزاری انتخابات پیش بینی می شد با اتخاذ تدابیر پیش گیرانه و ایستادگی قهرمانانه نیرو های امنیتی کشور نتوانستند مانع از برگزاری انتخابات شوند.

انتخابات به دور دوم کشانیده شد. در این دور دو نامزد پیشتاز ، دکتر عبدالله عبدالله، به نمایندگی از تیم اصلاحات و همگرایی و دکتر اشرف غنی احمدزی، نامزد تیم تحول و تداوم به رقابت پرداختند. این مرحله انتخابات به تاریخ ۲۴ جوزا (۱۴ جون ۲۰۱۴) برگزار شد.

متأسفانه، در فرآیند انتخابات، شفافیت و مشروعیت انتخابات از جانب تیم اصلاحات و همگرایی، به دلیل وجود تقلب گسترده و دخالت برخی نهاد های مسؤول انتخاباتی در پروسه انتخابات زیر سوال قرار گرفت. هر چند نهاد های مسؤول انتخاباتی، یعنی کمیسیون های مستقل انتخابات و رسیدگی به شکایت های انتخاباتی به هر دو تیم وعده رسیدگی به تمام شکایت های درج شده را دادند و هنوز پروسه شمارش آرا جریان دارد، اما دکتر عبدالله در اعلامیه ای که به نشر رسانید هرگونه رابطه خود و تیم اصلاحات و همگرایی را با کمیسیون های متذکره تا رسیدگی به تقاضا هایش به حالت تعلیق درآورد. اقدام اعتراضی از این هم فرا تر رفته و شخص حامد کرزی رئیس جمهور متهم به تقلب و همکاری با تیم رقیب شده است.

به نظر صاحب نظران و ناظران بین المللی ادعا هایی که به آنها باید رسیدگی شود نیازمند زمان است و تنها ادعا نمی تواند اساس قانونی برای متوقف ساختن یک پروسه قانونی گردد، بنابراین رسیدگی به این ادعا ها و تمام شکایت های رسیده در مورد را در چوکات قوانین جاری کشور مطالبه می نمایند.

ادامه این وضع می تواند مشروعیت انتخابات را زیر سوال ببرد؛ و در نتیجه بحران خلا قدرت، که همین اکنون وجود دارد، بیشتر دامنه پیدا کند.

مطابق ماده ۶۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، دوره ریاست جمهوری حامد کرزی به تاریخ اول جوزا سال ۱۳۹۳، با انقضای موعد پنج ساله به پایان رسیده است. ادامه ریاست جمهوری جناب کرزی از این تاریخ به بعد از جانب هیچ مقام صاحب صلاحیت تأیید نشده و مشروعیت ندارد. این بدین معنا است که افغانستان از تاریخ اول جوزا سال روان تاکنون در خلا قدرت سیاسی بسر می برد.

امید است بحران ایجاد شده در برابر پروسه انتخابات ریاست جمهوری در مرحله دوم بر مبنای تعقل و خرد سیاسی، منافع عالیای کشور و به دور از رقابت های غیر مجاز برای به دست آوردن قدرت میان هر دو تیم رقیب انتخاباتی متکی بر معیار های قانونی به زودی بر طرف گردیده و برنده اصلی انتخابات سکان ریاست جمهوری افغانستان را در اختیار گیرد.

با آغاز به کار رئیس جمهور جدید، به احتمال زیاد، موافقت نامه امنیتی میان افغانستان و امریکا به امضا خواهد رسید و در نتیجه حضور بعدی نیرو های امریکایی و ناتو در آینده در افغانستان قانونمند خواهد شد.

مردم از رئیس جمهور آینده چه انتظار دارند؟

تامین قانونیت، حکومتداری خوب، مبارزه بی امان و موثر در برابر فساد و حاکمیت مافیایی، مبارزه با پدیده شوم مواد مخدر، تحقق عدالت اجتماعی، رشد متوازن تمام مناطق کشور، فقرزدایی، تأمین مناسبات کاری نیک میان قوای سه گانه دولت، کار مثمر و عملی در پروسه تأمین صلح و ثبات، تأمین روابط حسنه با کشور های همسایه بر مبنای اصل منافع متقابل، ادامه روابط نیک با دوستان بین المللی افغانستان و گسترش آن بر مبنای احترام متقابل و درک منافع یکدیگر.

آیا رئیس جمهوری آینده افغانستان، آماده است برای تدوین و اجرای سیاست خارجی، میکانیسم چند مرحله ای ایجاد کند که شامل کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان، وزارت امور خارجه، شورای امنیت ملی و شخص رئیس جمهوری باشد؟

ظاهراً این تنها راه کاری است که سیاست خارجی مملکت را از مشقت یک شخص بیرون می کشد، مشروعیت ملی ایجاد می کند و در مذاکرات حساس بین المللی به آن قدرت مانور می دهد.

در اعلامیه نشست توکیو، مبارزه با فساد و پاسخ گویی از چگونگی مصرف کمک های بین المللی، به عنوان شرایط اصلی ادامه کمک های مالی جهان به افغانستان، خوانده شده اند. شماری از کسانی که متهم به دست داشتن به فساد بوده اند، در هر دو گروه انتخاباتی دیده می شوند.

آیا این دو نامزد، توان ایستادگی در برابر فساد پیشگانی که در صحنه حضور دارند، را خواهند داشت؟

تنها پاسخ مثبت به این پرسش ها می تواند، برگ برنده دستگاه دیپلوماسی افغانستان، برای ادامه حمایت جامعه جهانی باشد.

رئیس جمهور آینده افغانستان نیاز دارد تا به منظور تأمین ثبات و ایجاد مناسبات حسن همجواری، مخصوصاً با دو همسایه جنوبی و غربی افغانستان، یعنی کشور های پاکستان و ایران روی میکانیسمی کار کند تا این رقابت های منفی منطقه ای را برای افغانستان به رقابت های مشروع و سازنده تبدیل کند.

رئیس جمهور جدید افغانستان که قرار است قدرت را در آغاز ماه اسد (اگست) از رئیس جمهور کرزی تحویل بگیرد، باید انتظار داشته باشد که مسؤلیت کشوری را برای پنج سال دیگر به عهده می گیرد که مملو از مشکلات، پیچیدگی ها و کار های ناتمام و بعضاً نادرست انجام شده حکومت قبلی است.

حکومت آقای کرزی، با وجود دستاورد های معینی در بخش های مختلف حیات ملی کشور، نتوانست پروسه دولت - ملت سازی را موفقانه به انجام برساند. آقای کرزی نتوانست در دو دوره ریاست جمهوری خود رابطه مناسب و همکاری لازم را با پارلمان کشور، بخصوص با مجلس نمایندگان برقرار کند، رئیس جمهور کرزی بیشتر از موضع رئیس حکومت با قوه مقننه و قوه قضاییه برخورد می کرد تا از موضع رئیس دولت. سیاست حکومت رئیس جمهور کرزی در برابر مخالفان و رقیبان سیاسی اش، و همچنین با ناقضان قانون بر مبنای مصلحت گرایی و دادن امتیازات تنظیم گردیده بود. در نتیجه، چنین روش به یک اصل ناسالم و فرهنگ سیاسی منفی مبدل گشته است و مشکل جدی در برابر حکومت های بعدی شمرده می شود.

رئیس جمهور کرزی از تدوین ستراتیژی واحد در سیاست خارجی افغانستان عاجز ماند و با هر پدیده برخورد سلیقه ای نمود. طور نمونه در مورد روابط افغانستان با پاکستان، دستگاه دیپلوماسی افغانستان نتوانست از ستراتیژی مشخص پیروی کند. همین گونه روابط افغانستان با دوستان غربی اش نیز فراز و فرود هایی را داشته است. رئیس جمهور کرزی نتوانست با بزرگترین کمک کننده خود، ایالات متحده آمریکا مناسبات سالهای نخست مداخله آن کشور در افغانستان را حفظ کند. مخصوصاً روابط ارگ ریاست جمهوری با کاخ سفید در دور دوم ریاست جمهوری باراک اوباما به شدت رو به سردی گرایید. برخورد های متلون رئیس جمهور کرزی در امضای توافقنامه امنیتی میان افغانستان و ایالات متحده آمریکا، - که در این رابطه لویه جرگه مشورتی را احضار و تأیید آن را در زمینه امضا توافقنامه حاصل نمود- و بالاخره با خودداری از امضا این توافقنامه پیامد های نامطلوبی را در مناسبات میان افغانستان و آمریکا از خود به جا گذاشت. یکی از پیامد های بزرگ آن رشد ذهنیت ضد ادامه حضور نظامی آمریکا در افغانستان در میان شهروندان امریکایی و تصمیم کاخ سفید به تعیین ضرب الاجل خروج نهایی عساکر امریکایی از افغانستان در پایان سال ۲۰۱۴ است.

تقابل او با لویه جرگه سبب شد که هم در سطح داخلی و هم در مناسبات با آمریکا، دیدگاه های حامد کرزی، خواست های شخصی او تعبیر گردند.

کرزی خود را به عنوان یگانه طرف صحبت با مخالفان حساب می کرد.

امیدواری وجود دارد که با روی کار آمدن حکومت جدید و امضای توافقنامه امنیتی، تا حدود زیادی حالت نامشخص سیاسی که جو سیاسی کشور را مکرر ساخته است برطرف شود و مردم به پیمانۀ زیادی به روند عادی زندگی خود باز گردند.

اما، افغانستان امروز بعد از حدود سیزده سال مداخله خارجی به رهبری ایالات متحد آمریکا هنوز هم در جنگ بسر می برد. شورشیان هرچند به آن توانمندی سالهای نود نیستند، مگر هنوز زنده و فعال اند. با تاسف باید اذعان کرد، با وجود دستاورد های معین حاکمیت رئیس جمهور کرزی - تحت حمایت جامعه جهانی- در بخش های امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مانند، ایجاد ارتش، پولیس و دستگاه امنیت ملی مدرن، ایجاد ساختار های دولتی و نهاد های جامعه مدنی، تعمیم آزادی های دموکراتیک، مانند آزادی مطبوعات، آزادی بیان، تشکیل حزب های سیاسی، احیا و گسترش معارف سرتاسری و شبکه های وسیع دولتی و خصوصی تحصیلات عالی و حرفه ای، ایجاد شبکه های وسیع راه و مواصلات، حکومت افغانستان و همکاران بین المللی اش نتوانستند از فرصتها (کمک های مالی، زمان و ظرفیت ها) استفاده لازم برند.

نیرو های امنیتی افغانستان هرچند از توانمندی و تجربه کافی برای دفاع مستقلانه از مادر میهن در غیاب نیرو های بین المللی برخوردار است، اما هنوز فاقد نیروی هوایی، تخنیک پیشرفته و سلاح سنگین است.

بودجه نیروهای امنیتی افغانستان در سال به بیش از ۵ میلیارد دلار می رسد. آیا با خروج امریکایی ها منابع مالی برای حفظ نیروها و ادامه دفاع در برابر طالبان، از کجا تامین خواهد شد؟

ترکیب نیرو های امنیتی افغانستان بیشتر بر وابستگی های قومی - تنظیمی دوران جهاد بافت خورده است این نیرو ها تا هنوز متأثر از پیوند های گروه بندی های تنظیمی- فرقه ای سالهای جنگ داخلی بوده و سخت اصطکاک پذیر اند. واقعیت دیگر این که بازیگران اصلی صحنه جنگ های دهه ۱۹۹۰ هنوز از قدرت کافی برای ایجاد گروه های شبه نظامی برخوردار اند و ممکن است با خروج نیروهای ناتو، به هدف کنترل دوباره قدرت به جان هم بیافتند و در کنار طالبان، مشکل امنیتی دیگری ایجاد کنند!

واکنشهای کاندیدان ریاست جمهوری افغانستان از نتایج تا هنوز اعلان نشده دور دوم انتخابات مصداق این حقیقت تلخ و اندیشه اضطراب آور بوده می تواند. نه پذیرفتن نتایج رأی گیری انتخابات- در صورتی که به نفع نامزد مطلوب نباشد-، جاری شدن جوی های خون در صورت ناکامی نامزد مورد نظر و تحریم نهاد های مسؤول برگزارکننده انتخابات، همه بیانگر نگرش های مربوط به دهه ۹۰ و داشتن تمایلاتی است که می تواند هر لحظه، بخصوص در غیاب نیرو های ناتو ثبات افغانستان را برهم بزند و دستاورد های دوازده ساله را بر باد دهد!

آخرین تحول، امروز بیستم ماه جون ۲۰۱۴، رئیس جمهور کرزی میانجی گری سازمان ملل در مشکل ایجاد شده در انتخابات مرحله دوم را پذیرفت.

در اواخر ماه می سال جاری انتظار دو ساله برای اعلام برنامه خروج نیروهای امریکایی از افغانستان به پایان رسید. باراک اوباما، در سه سخنرانی پی هم در یک هفته، با صراحت بیان داشت که با آغاز سال ۲۰۱۵ میلادی، تنها ۹۸۰۰ سرباز امریکایی در خاک افغانستان باقی خواهد ماند و در پایان همان سال این رقم به نیم کاهش خواهد یافت.

پیش از این تصور می شد که نیروهای امریکایی در چارچوب پیمان ستراتیژیک میان دو کشور که در سال ۲۰۱۲ امضا شد و موافقتنامه امنیتی دو جانبه که قرار است پس از روی کار آمدن رئیس جمهوری جدید امضا شود، دست کم تا سال ۲۰۲۴ در ۹ پایگاه در خاک افغانستان باقی بماند. اما ظاهراً ستراتیژی جدید آمریکا برای دورنمای روابطش با افغانستان چیز دیگری است.

سیاست مداران برجسته امریکایی، از جمله سناتور جان مک کین و سناتور لینزی گراهام در نخستین ساعات پس از سخنرانی اوباما، در یک نامه مشترک، آنرا جدول زمانبندی "اختراع شده" اوباما خواندند.

در این اعلامیه مشترک خروج کامل نیروهای آمریکایی از افغانستان "اشتباه عظیم و پیروزی سیاست بازی های روزمره بر ستراتیژی" خوانده شده است. برخی ها نیز تصمیم اوباما را غیرواقع بینانه دانسته و گفته اند که آقای اوباما بیشتر متوجه میراثی است که از خود برجای می گذارد، نه واقعیت های روی صحنه.

در افغانستان نیز عقیده بر این است که این اعلان باراک اوباما بیشتر به یک برنامه انتخاباتی برای حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری امریکا می ماند تا به یک برنامه ستراتیژیک.

در افغانستان هنوز جنگ ادامه دارد. مخالفان مسلح (طالبان)، که پایگاه های امن شان در آن طرف مرز در خاک پاکستان قرار دارد، در جریان انتخابات اخیر نشان دادند که هر زمانی که خواسته باشند می توانند امنیت و ثبات افغانستان را به چالش بکشانند. اوضاع در اطراف مرز های جنوب و جنوب شرقی کشور همچنان نا آرام است. شلیک توپخانه نظامیان پاکستانی به بهانه هدف گیری طالبان پاکستانی که به خاک افغانستان پناه برده اند تقریباً همه روزه ادامه دارد و تلفات جانی و خسارات مالی هنگفتی به بار می آورند. تهدید گروهک های خارجی (ازبیک، عرب، چیچین و...) در مناطق شرقی و حتی شمال کشور آرامش مردم را بر هم می زند.

کشور پاکستان در طول بیشتر از شش دهه پیدایشش به عامل بی ثباتی منطقه تبدیل شده است. پاکستان تاکنون فعال ترین بازیگر منطقه ای در افغانستان است که سیاست هایش بیشترین پیامد های بی ثباتی را با خود داشته است.

طالبان به حیث موثر ترین حربه نظامیان پاکستان در اعمال نفوذ و فشار بر حکومت افغانستان است. به عقیده اسلام آباد، تعقیب سیاست درگیری های خورد و کوچک به منزله تضمینی است در عدم دخالت طالبان افغان در سیاست های پاکستان.

وجود فرماندهان جنگهای دهه نود در حاکمیت به معنای تغییر مواضع فکری و وابستگی تنظیمی آنها بوده نمی تواند. صف آرای های انتخاباتی و واکنش های پیش هنگام در برابر نتایج شمارش آرا نشان داد که هنوز هم گروه های معینی، اگر خواهان بازگشت به دوران دهه نود نیستند، اما حاضر هم نیستند تا از مواضع فکری و گروهی خود، که در طول یک دهه اخیر با شاخص های امتیازات دولتی و موقف های بلند اجتماعی نیز گره خورده اند، به آسانی بگذرند.

بی ثباتی سیاسی و انقطابهای گوناگون اجتماعی زمینه ساز بازگشت دوباره حاکمیت نوع طالبانی، نفوذ القاعده و سایر شبکه های افراط گرایی و تروریستی از پیامد های مستقیم خروج پیش هنگام عساکر امریکایی و ناتو خواهد بود.

مداخلات حلقه های معینی از همسایه های نزدیک و دور افغانستان و حمایت شان از گروههای معین سیاسی در داخل کشور، بخصوص در محور زبان و فرهنگ مشترک، تاریخ و دین مشترک، و همسازی ها انتیکی، جامعه چند قومی ما را شدیداً ضربه پذیر ساخته است.

برخی سیاستمداران از تکرار حوادث عراق در افغانستان و یا به زبان دیگر از عراقی شدن افغانستان هشدار می دهند. هرچند عراق با افغانستان تفاوت های زیادی دارد اما مورد هایی اند که باعث می شود تا بعضی ها از عراقی شدن افغانستان هشدار بدهند. این شباهت ها بیشتر در عوامل بیرونی دیده می شوند؛ خروج کامل نیرو های امریکایی، عدم علاقمندی امریکایی ها به ایجاد نیروی هوایی با توانایی دفاعی حریم هوایی کشور، میدان خالی کردن این کشور ها به میدان رقابت و رویارویی رقیبان منطقه ای- (در عراق، عربستان سعودی و کشور های عرب حوزه خلیج در برابر ایران، و در افغانستان، پاکستان در برابر هند و همچنین منافع کشور های ایران و روسیه)-.

سیاستمداران در امریکا به این باورند که اشتباهات عراق در سهایی باشند برای افغانستان.

زلمی خلیل‌زاد، نماینده پیشین امریکا در سازمان ملل متحد و سفیر پیشین ایالات متحد امریکا در کابل و بغداد ضمن ابراز تشویش از تکرار حوادث عراق در افغانستان، اظهار می‌دارد که از همین اکنون تلاش می‌کند تا مقامات امریکایی را متقاعد سازد تا دوسال آینده، یعنی تا سال ۲۰۱۶ که آخرین مهلت خروج کامل عساکر امریکایی از افغانستان تعیین شده است نباید نظامیان امریکایی به صورت کامل خاک این کشور را ترک نمایند و زمینه را برای مخالفان مساعد سازند.

یکی دیگر از پیامد های مستقیم خروج نیرو های ناتو، کاهش کمک های مالی امریکا و متحدانش به افغانستان خواهد بود.

باراک اوباما، طی سفر اخیرش در بگرام و سپس در واشنگتن گفت که کمک های مالی و حمایت سیاسی امریکا و هم پیمانانش از افغانستان ادامه خواهد یافت. هرچند ممکن است این کمک ها با توجه به خروج نیروهای امریکایی، کاهش یابد.

با کاهش کمک های مالی، و حتی قبل از آن، با آغاز پروسه انتقال مسؤولیت های امنیتی از نیرو های ناتو به نیرو های افغان، باور مردم به ادامه وضع و تحکیم ثبات کم تر شده است. در این مدت نه تنها در حجم سرمایه گذاری ها کاهش به عمل آمده است بلکه اقداماتی در بیرون کشیدن سرمایه ها به خارج از افغانستان صورت می گیرد. علاقمندی سرمایه گذاران خارجی و موسسات بین المللی برای سرمایه گذاری کم رنگ تر شده می رود.

فعالیت های اقتصادی که بیشتر بر تجارت و داد و ستد متمرکز است به دو دلیل کم تر شده می رود، تشویش از بی ثباتی و پایین آمدن سطح تقاضا به کالا های مصرفی درجه دو. عواید دولت که بیشتر بر محصول اموال (صادرات و واردات) استوار است روز تا روز کاهش می پذیرد.

اداره مرکزی احصائیه افغانستان در گزارش تازه خود اعلام کرده که رشد اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۲ چهار درصد کاهش داشته است. این در حالی است که دو ماه پیش بانک توسعه آسیایی در گزارشی نوشت که رشد اقتصادی افغانستان با ۸ درصد کاهش، از ۱۱،۹ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۳،۳ درصد در سال ۲۰۱۳ رسید.

بودجه دولت که در بخش انکشافی صد درصد و در بخش عادی تا بیشتر از پنجاه درصد آن از درک کمک های بین المللی تأمین می گردد، با کاهش کمک های خارجی به شدت به کسر بودجه مواجه خواهد شد. و به احتمال قوی بیشترین پروژه هایی که از بودجه انکشافی تمویل می گردند متوقف خواهند شد.

در صورت قطع کمک های بین المللی، فروپاشی نیروهای امنیتی، سقوط ارزش پول افغانی، توقف خدمات دولتی و تقسیم افغانستان میان قدرتمندان محلی و درگیری های دوامدار آنها، کابوس وحشتناک است که دور از احتمال نخواهد بود.

پسگفتار:

تحولات دهه اخیر، بخصوص در بخش اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بنیادی و به دور از انتظار است. آزادی مطبوعات، آزادی بیان، تشکیل حزب های سیاسی و نهاد های جامعه مدنی، گسترش دامنه تعلیم و تربیه و تحصیلات عالی و حرفه ای، در بخش دولتی و خصوصی، نسل جدیدی از افغانان را به وجود آورده است. این نسل هیچگونه پیوندی با طرز تفکر و روند سیاسی دیروز نمی خواهد داشته باشد. این نسل در عصر جهانی شدن زندگی می کند و علاقه دارد تا از کاروان تمدن جهانی عقب نماند.

بازگشت مهاجرین از غرب و کشور های همسایه که جمعی کثیری از کارشناسان بخش های مختلف دانش و فرهنگ و هنر در جمع آنها قرار دارد خود در نگرش جامعه اثر گذار است.

انتخابات اخیر نشان داد، همان طوری که سیاستمداران وابسته به طرز تفکر دیروزی نمی خواهند از جایگاه دیروز خود فرود آیند، نسل جوان کشور، که حدود ۶۰٪ جمعیت کشور را تشکیل می دهد، مایل نیست با اندیشه های کهنه و زنگ زده دیروزی بیاندیشد و آینده خود را با آن رقم زند. انتخابات اخیر ثابت ساخت که چگونه نسل جوان و بالنده کشور به دنبال نوآوری و ترقی و پیشرفت، با پشتیبانی از برنامه های علمی و عملی انتخاباتی، با تلاش می خواهد خود را به کاروان جهانی هماهنگ سازد.

امید زیاد می رود تا افغانان با درک مسؤولانه از عواقب خطرناک ادامه بحران در نتایج انتخابات ریاست جمهوری، به همکاری نهاد های مسؤول و کمک سازمان ملل متحد و سایر نهاد های ذیعلاقه در زمان پیش بینی شده به این مشکل فایق آیند و رئیس جمهور منتخب افغانستان در موعد معین کرسی ریاست جمهوری را تسلیم بگیرد.

رئیس جمهور آینده کشور بلامعطلی در امضا توافقتنامه امنیتی با ایالات متحده امریکا بر مبنای مصالح علیا کشور به توافق رسیده و آن را امضا کند.

رئیس جمهور افغانستان به زودی ممکنه تیم همکار خود را اعلان و در عملی شدن برنامه های سیاسی انتخاباتی خود که رأی مردم را در حمایت از آن با خود دارد در پرتو قانون اساسی کشور داخل اقدام شود.

رئیس جمهور برای جلب کمک های مالی، فنی، و نظامی تعهد شده از جانب جامعه جهانی تدابیر لازم را اتخاذ کند.

طور مثال، نشست توکیو در سال ۲۰۱۲، جامعه جهانی را متعهد به ادامه کمک ها در دهه "تحول" بین سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴، کرد. اعلامیه توکیو، تاکید می کند که جامعه جهانی در یک دهه پیش رو، کمک مالی خود به دولت افغانستان را در سطحی حفظ خواهد کرد که کسر بودجه دولت افغانستان را تامین کند.

حکومت جدید افغانستان برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی کشور را برای دهه تحول طوری طرحریزی نماید تا در پایان این دهه، یعنی سال ۲۰۲۴ افغانستان به عنوان یک کشور خودکفا در همه بخش های حکومتداری، پا به پای جامعه جهانی گام بگذارد.

و من الله توفیق

لندن- ۲۱ جون ۲۰۱۴